

وی که پنج بار نامزد جایزه نخل طلای کن بوده است، در سال ۱۹۷۸ جایزه افتخاری سزار فرانسه را دریافت کرد، در سال ۲۰۰۷ جایزه یک عمر دستاورد سینمایی آکادمی فیلم اروپا را گرفت و در سال ۱۹۹۵ یوزپلنگ افتخاری جشنواره لوکارنو به وی اعطا شد.

گدار در سال ۱۹۸۶ جایزه بهترین فیلم خلاقانه جشنواره روتردام را دریافت کرد و در سال ۲۰۰۴ جایزه بهترین فیلم سال را از جشنواره سن سباستین گرفت.

این کارگردان صاحب نام فرانسوی فیلم سه بعدی «خدا حافظی با زبان» را در سال ۲۰۱۴ ساخت، این فیلم کاملاً تجربی، درامی رمانتیک درباره زندگی یک مرد و زن است و نیمه دوم فیلم را زویه دید یک سگ ولگرد روایت می‌شود. «خدا حافظی با زبان» در جشنواره کن ۲۰۱۴ جایزه هیأت داوران این رویداد سینمایی را دریافت کرد.

آخرین ساخته این سینماگر کهنه کار با عنوان «کتاب تصویر» در سال ۲۰۱۸ راهی سینماها شد و در جشنواره کن برای نخستین بار جایزه‌ای با عنوان نخل طلای ویژه به «ژان لوک گدار» اعطا شد.

شابرول پرکارترین فیلمساز موج نو

«کلود شابرول» متولد ۲۴ ژوئن ۱۹۳۰ در دهه ۵۰ میلادی در اوج بود و به عنوان پرکارترین فیلم‌ساز موج نو و سینمای مولف شناخته می‌شد. وی پسر داروسازی بود که به گفته‌ی او شابرول (در مصاحبه‌ای در سال ۱۹۸۷) کاملاً به آن نوع محیط اجتماعی بورژوازی متعلق بود که مضمون فیلم‌های او هم شد.

شابرول در جوانی ادبیات و حقوق خواند و بعد شروع به نوشتن نقد فیلم برای مجله معتبر «کایه دو سینما» کرد. او هنوز ۳۰ ساله نشده بود که فیلم «سر زبیا» را ساخت که داستان بازگشت یک مرد به دهکده زادگاهش پس از مدت‌ها غیبت از آن است، و تحسین منتقدان را برانگیخت.

وی که از اساتید سینمای جهان و متخصص ساخت فیلم‌های جنایی بود، در سال ۱۹۷۳ برای فیلم «عروسی در خون» جایزه فیپرسی را از جشنواره برلین گرفت و در سال ۱۹۵۹ برای فیلم «پسر عموها» جایزه خرس طلای برلین را گرفت.

شابرول که کارگردانی پرکار بود، در طول بیش از نیم قرن دوران کاری، بیش از ۷۰ فیلم سینمایی و تلویزیونی ساخت. اولین فیلم سینمایی او «سر زبیا» موجب شهرت قابل توجه او در میان منتقدان شد و عموماً به عنوان بیانیه جنبش سینمایی موج نو شناخته شد، که کارگردانی مانند فرانسوا تروفو و ژان لوک گدار هم جزو آن بودند.

فیلم‌های او بر بورژوازی (طبقه متوسط) فرانسه متمرکز بود، فیلم‌هایی که با کنار زدن ظاهر محترم این طبقه، ریاکاری، خشونت و

بیزاری را که زیر این ظاهر جریان دارد، افشا می‌کرد. فیلم‌های او اغلب پرتعلیق بودند و با آثار آلفرد هیچکاک مورد مقایسه قرار می‌گرفتند. نخست وزیر فرانسه، فرانسوا فیلون، شابرول را «کارگردان، تهیه‌کننده و فیلمنامه‌نویس و یکی از چهره‌های اصلی موج نو خواند که سبک و تکنیک سینما را با توجه به تجربه واقعی، زندگی حقیقی که ناگسسته و پنهانی است، متحول کردند».

«تیری فرمائو»، رئیس جشنواره فیلم کن درباره این کارگردان سرشناس گفته است: شابرول سبکی بسیار کلاسیک‌تر از فیلم‌سازان تجربی‌تر موج نو داشت. اما در این کلاسیسیسم چنان جسارت و آزادی و چنان دانشی وجود داشت، که به نظر من - و به قضاوت تاریخ - فیلم‌های حادثه‌ای او در سینمای فرانسه کاملاً منحصر به فرد باقی خواهند ماند.

شابرول با سرعت بسیاری کار می‌کرد و هر سال تقریباً یک فیلم را می‌ساخت. او فیلم‌نامه‌های غیراقتباسی بسیاری را نوشت و همچنین از بسیاری از آثار کلاسیک ادبیات فرانسه اقتباس کرد، از جمله «مادام بوواری» (۱۹۹۱) و داستان‌های گئی دو پاسان، برای سینما و تلویزیون. از فیلم‌های سرشناس شابرول می‌توان به «دختران بد» در سال ۱۹۶۸، «قصاب» در ۱۹۷۰ و نیز فیلم معمایی «ممنون بابت شکلات» در سال ۲۰۰۰ با بازی «ایزابل هوپر» اشاره کرد. هوپر از هنرپیشه‌های زن مورد علاقه شابرول بود و با فیلم «داستان زنان» شابرول در سال ۱۹۸۸ بود که در ابتدای مسیر کاریش به شهرت رسید.

آخرین فیلم سینمایی شابرول «Bella my» با بازی ستاره دیگری از سینمای فرانسه «ژرار دپاردیو» بود. وی با فیلم‌های «عروسی در خون» (۱۹۷۳)، «گل شیطان» (۲۰۰۳) و «کمدی قدرت» (۲۰۰۶) به بخش رقابتی جشنواره‌ی برلین را یافته بود.

«شابرول» در پنجاهمین سال دریافت جایزه‌ی خرس طلا، فوریه ۲۰۰۹ طی مراسمی که همراه با نمایش آخرین ساخته‌اش «پلامی» بود، جایزه‌ی «دوربین برلیناله» را دریافت کرد. کلود شابرول در روز شنبه، ۱۲ سپتامبر ۲۰۱۰ در پاریس در گذشت و جمعیت بزرگی از هنرمندان و دوستداران سینما، تابوت سینماگر نامی فرانسه را در مراسمی رسمی از جلوی بنای فیلمخانه در پاریس مشایعت کردند.

لوئیس ریوت فیلمساز منتقد

ژاک پیر لوئیس ریوت کارگردان، فیلمنامه‌نویس و منتقدی فرانسوی است. وی که به همراه فیلمسازانی از جمله فرانسوا تروفو،



شابرول که کارگردانی پرکار بود، در طول بیش از نیم قرن دوران کاری، بیش از ۷۰ فیلم سینمایی و تلویزیونی ساخت. اولین فیلم سینمایی او «سر زبیا» موجب شهرت قابل توجه او در میان منتقدان شد و عموماً به عنوان بیانیه جنبش سینمایی موج نو شناخته شد، که کارگردانی مانند فرانسوا تروفو و ژان لوک گدار هم جزو آن بودند

ژان-لوک گدار، اریک رومر و کلود شابرول از پایه گذاران سینمای موج نوی فرانسه است، یکی از منتقدین مجله معروف کایه دو سینما بود. او بیش از ۲۹ فیلم بلند ساخت که از جمله آنها می‌توان به عشق وحشی (۱۹۶۹)، سلین و ژولی قایق سواری می‌کنند (۱۹۷۴)، مزاحم زیبا (۱۹۹۱) اشاره کرد. ویژگی اصلی فیلم‌های او بداهه‌پردازی، داستان سرایی آزاد و مدت زمان طولانی فیلم است.

ریوت در تاریخ اول مارس سال ۱۹۲۸ در روان، فرانسه به دنیا آمد. او از دوران کودکی با خواندن کتابی از ژان کوکتو، فیلمساز، نمایشنامه نویس و کارگردان فرانسوی به سینما علاقمند شد و در ۲۱ سالگی اولین فیلم آماتورش را با یک دوربین ۱۶ میلیمتری ساخت. سپس به پاریس رفت و کارش را در سینماک فرانسه ادامه دنبال کرد. او که با فرانسوا تروفو، ژان-لوک گدار، اریک رومر و کلود شابرول ملاقات و به همراه آنها به عنوان معرف و بنیان‌گذار سینمای موج نوی فرانسه لقب گرفت. او کار خود را با نوشتن نقدهای ادبی و سینمایی آغاز کرد و در سال ۱۹۵۳ توسط آندره بازین به استخدام مجله معروف کایه دو سینما درآمد. در نقدهایش او از فیلم‌هایی آمریکایی از کارگردانی نظیر جان فورد، آلفرد هیچکاک و نیکلاس ری تمجید کرد و به شدت از مسیر سینمای آن زمان فرانسه انتقاد می‌کرد.

مقالات ریوت که مورد پسند همتهایش نیز قرار می‌گرفت، جزء بهترین‌های مجلات و نوشتارهای متخصصانه بود. گرچه وی اولین کارگردان موج نوی فرانسه بود که فیلم بلندی می‌سازد اما اولین فیلم او به نام پاریس از آن ماست که در سال ۱۹۵۸ فیلمبرداری شد تا زمانی که دیگر کارگردانانی از قبیل تروفو، شابرول فیلمشان را اکران کردند، تا سال ۱۹۶۱ منتظر اکران ماند. این فیلم اولین ساخته بلند سینمایی ژاک ریوت و یکی از نخستین فیلم‌های موج نوی سینمای فرانسه محسوب می‌شود. از بازیگران این فیلم می‌توان به ژان-کلود برابلی، کلود شابرول، ژاک دمی، ژاک ریوت و ژان-لوک گدار اشاره کرد. مدت زمان این فیلم ۱۴۰ دقیقه بود که زمان زیاد، یکی از ویژگی‌های اصلی فیلم‌های این کارگردان محسوب می‌شود. ریوت در اوایل دهه ۱۹۶۰ به عنوان سردبیر مجله کایه دو سینما درآمد و در همین زمان دومین فیلم بلندش را به نام راهبه (۱۹۶۶) کارگردانی کرد. او سپس رویکرد سینمایی خود را تغییر داد و سبک خاصی از سینماپردازی را در پیش گرفت و نتیجه آن ساخت فیلمی به نام عشق وحشی (۱۹۶۹) با زمانی نزدیک به ۲۵۰ دقیقه بود. سپس تحت تاثیر اشفتهای سیاسی جنبش دانشجویی - کارگری مه ۱۹۶۸ فرانسه، با کار بر روی گروه بزرگی از بازیگران در